



وای بر کسی که خداوند را با ستم نمودن به علی(ع) ملاقات کند

معاویه از نسبت امّ المؤمنین که برای امّ حبیبیه، خواهر معاویه بود نسبتی برای خود ساخته و پرداخته و در شام خود را به «خال المؤمنین» ملقب نمود، امام علی(ع) در پاسخ معاویه فرمودند: محمد پیامبر، برادر من است و نسبت من با او همچون نسبت دو ساقی است که از یک ریشه روئیده شده باشد.

معاویه از نسبت امّ المؤمنین که برای امّ حبیبیه، خواهر معاویه بود نسبتی برای خود ساخته و پرداخته و در شام خود را به «خال المؤمنین» ملقب نمود، امام علی(ع) در پاسخ معاویه فرمودند: محمد پیامبر، برادر من است و نسبت من با او همچون نسبت دو ساقی است که از یک ریشه روئیده شده باشد.

علامه آیت الله سید محمد حسینی حسینی طهرانی در جلد هفتم کتاب شریف امام شناسی (که مباحث غدیر می پردازد) می نویسد: در این ابیات حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) استشهاد به حدیث غدیر کرده اند، و وجوب ولایت خود را بر امت، از لفظ «من كنت مولاه فعلى مولاه» استخراج کرده اند، پس ولایت آن حضرت بر همه امت واجب است که موجب امامت و امارت و استخلاف می باشد. امت اسلام این اشعار را از آن حضرت تلقی به قبول کرده اند و همگی بر روایت آن از آن حضرت، تسالم دارند.

در «مناقب» ابن شهر آشوب از ابوالحسن مدائنی روایت کرده است که معاویه در نامه ای به آن حضرت نوشت: «یا أبا الحسن! إن لی فضائل کثیراً: کان أبی سیداً فی الجاهلیة و صرت ملکاً فی الاسلام، و أنا صهر رسول الله و خال المؤمنین، و کاتب الوحی!» «ای ابوالحسن! من دارای فضیلت های بسیاری هستم؛ پدر من در زمان جاهلیت بزرگ قوم بود و خود من در زمان اسلام پادشاه شده ام و من رابطه خویشاوندی سببی و دامادی رسول الله را با خود دارم و من دایی مؤمنان هستم [چون امّ حبیبیه - دختر ابوسفیان و خواهر معاویه - یکی از زن های رسول الله بوده است؛ و طبق آیه شریفه: «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» زن های رسول خدا مادرهای مؤمنان به شمار می آیند؛] فلذا از نسبت امّ المؤمنین که برای امّ حبیبیه، خواهر معاویه بود نسبتی برای خود ساخته و پرداخته و در شام خود را به «خال المؤمنین» ملقب نمود؛ یعنی دایی مؤمنان] و من نویسنده وحی رسول خدا می باشم.» فلما قرا أمیرالمؤمنین الكتاب، قال: أ بالفضائل یفخر علینا ابن أكلة الاکباد؟ اکتب یا غلام:

- (1.) محمد النبى أخی و صیوی و حمزة سید الشهداء عمی
 - (2.) و جعفر الذی یضحی و یمسی یطیر مع الملائكة ابن امی
 - (3.) و بنت محمد سکنی و عرسی منوط لحمها بدمی و لحمی
 - (4.) و سبطا احمد ولدای منها فأیگم له سهم کسهمی
 - (5.) سبقتکم إلى الاسلام طراً علی ما کان من فهمی و علمی
 - (6.) فأوجبَ ولایتَه علیکم رسولُ الله يومَ غدیر خم
 - (7.) فویلُ ثم ویلُ ثم ویلُ لمن یلقى الله غداً یظلمی
- «چون حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) نامه را خواندند، گفتند: این پسر خورنده جگرها (هند مادرش که در روز احد، جگر حضرت حمزه سیدالشهداء با سایر اجزاء مثله اش را گردن بند کرده، و به گردنش آویخت و جگر آن حضرت را جوید و خورد) با فضائل می خواهد بر ما افتخار کند؟ ای جوان بنویس برای او:

- 1- محمد پیامبر برادر من است و نسبت من با او همچون نسبت دو ساقی است که از یک ریشه روئیده شده باشد، و حمزه سید و سالار شهیدان عموی من است.
 - 2- و جعفر طیار که پیوسته با فرشتگان در حال طیران و پرواز، روز می کند و شب می کند؛ پسر مادر من است.
 - 3- و دختر محمد مایه آرامش و انس من و حلیه و زوجه من است که گوشت او با خون و گوشت من آمیخته شده است.
 - 4- و دو نواده دختری پیامبر، دو پسر من هستند، پس کدام یک از شما سهمیه ای مانند سهمیه من دارد؟!
 - 5- من در اسلام آوردن از همه شما امت، گوی سبقت را ربودم با مراتب فهم و علمی که در همان زمان کودکی داشتم.
 - 6- پس ولایت خود را رسول خدا در روز غدیر خم برای من بر شما واجب و لازم کرد.
 - 7- پس ای وای، سپس وای، پس از آن وای بر کسی که فردای قیامت خداوند را با ستم نمودن به من ملاقات کند!
- چون معاویه این نامه را خواند، گفت: ای غلام آن را پاره کن! برای آنکه اهل شام آن را نخوانند و به علی بن ابی طالب گرایش پیدا نکنند!